

فصل دهم

بحث و نتیجه گیری



کشفیات علمی گاهی به کاربردهای زیانبار پیش بینی نشده‌ای می‌انجامند. زمانی که ویلیام مورتون در اوائل قرن نوزدهم با استفاده از گاز بیهوش کننده، عمل جراحی را برای بیمارانش خوشایندتر کرد، به هیچ وجه تصور نمی‌کرد روزی همان گاز به ابزاری برای تسهیل جنایت تبدیل شود. توان بهره‌برداری از انرژی اتمی و مهندسی ژنتیک نیز با وضعیت مشابهی روبه‌رو شدند. محققانی که در زمینه فیزیک هسته‌ای یا ژنتیک مولکولی فعالیت می‌کردند، هیچ‌گاه تصور نمی‌کردند دانسته‌های آنان راه را برای ساخت بمب اتم یا بمب میکروبی تسهیل کند. آنان مانند بسیاری از محققان دیگر در پی کشف حقایق علمی بودند و اغلب آنان حتی از

کاربردهای مفید احتمالی دانسته‌های خود آگاه نبودند. در واقع نیروی محرکه‌ای که آنان را به تلاش و کوشش وامی‌داشت، میل فطری انسان به دانستن و کشف قوانین حاکم بر طبیعت بود.

دانش که کوششی است برای دانستن، درک، توصیف یا پیشگویی پدیده‌ها، به خودی خود جهت‌گیری اخلاقی ندارد؛ بلکه کاربردهای آن و در واقع تصمیم برای بهره‌گیری از هر یک از کاربردهای آن جنبه‌های اخلاقی پیدا می‌کند. انرژی اتمی و بهره‌برداری از آن خوب یا بد بودن آن را مشخص می‌کند. بسیاری از بیماران مبتلا به مرض قند جان خویش را مدیون فعالیت‌های محققانی هستند که با کمک فناوری‌های نوین مهندسی ژنتیک، هورمون انسولین را تهیه و به بازار عرضه می‌کنند. اما همین فناوری‌ها می‌توانند در خدمت اهداف شومی قرار گیرند و به تولید بمب میکروبی خطرناکی منتهی شوند. این مسأله به فناوری‌ها و دستاوردهای بشر امروزی محدود نمی‌شود. همهٔ ساخته‌های دست بشر چنین وضعیتی دارند. یک چاقو هم می‌تواند ابزار جنایت باشد هم برش‌های ظریف آن هنگام عمل جراحی باعث نجات جان بیمار می‌شود.

صرف‌نظر از این ماهیت دوگانه، گاهی کشفیات علمی با «مسائل حاشیه‌ای» روبه‌رو می‌شوند. وقتی که در اواسط قرن نوزدهم، داروهای بیهوش‌کننده و مسکن عرضه شدند و برخی از پزشکان تصمیم گرفتند برای تسکین درد زایمان و هنگام عمل جراحی از آن

استفاده کنند، برخی حتی با استناد به مفاهیم دینی آن را محکوم کردند و دخالت در کار خدا دانستند. این قبیل مسائل حاشیه‌ای، در ابتدا سرعت یک پیشرفت علمی یا درمانی را کند می‌کنند اما به تدریج به حاشیه رانده می‌شوند.

کلون‌سازی که پیشرفت مهمی در زمینه دانش زیست‌شناسی و پزشکی محسوب می‌شود، وضعیت مشابهی دارد. مخالفان کلون‌سازی را در چهارگروه می‌توان طبقه بندی کرد:

(۱) کسانی که هر نوع کلون‌سازی و با هر هدفی را محکوم می‌کنند و آن را دخالت در کار خلقت می‌دانند.

(۲) کسانی که با کلون‌سازی جانوران مخالف نیستند اما کلون‌سازی انسان را اهانت به ذات بشری و نوعی جنایت می‌دانند.

(۳) گروهی که به دلائل علمی که در فصل هشتم مطرح شد، از جمله بازده پایین این فناوری، با کلون‌سازی انسان مخالفند. این گروه معتقدند در حال حاضر باید در زمینه کلون‌سازی جانوران تلاش بیشتری کرد و پس از بالابردن بازده این فناوری و افزایش آگاهی نسبت به مشکلات زیست‌شناختی احتمالی آن، در آینده دست به کلون‌سازی انسان زد.

(۴) گروهی که پیامدهای منفی احتمالی کلون‌سازی انسان را اساس مخالفت‌های خود قرار داده‌اند.

به نظر نگارنده، دیدگاه گروه اول و دوم دچار مسائل حاشیه‌ای است و اغلب از برداشت نادرست صاحبان آن، از کلون‌ها و کلون‌سازی ناشی می‌شود. چون کلون‌ها از لقاح اسپرم و تخمک پدید نمی‌آیند، از لحاظ ژنتیک با والدی که اطلاعات ژنتیکی را در اختیار آن‌ها قرار می‌دهد، تفاوت ندارند. اما آن‌ها کپی والد خود نیستند. دوقلوهای همسان نیز از لحاظ ژنتیک با هم تفاوت ندارند، اما دو انسان مجزا و مستقل هستند و هرچند از لحاظ ظاهر و رفتار به هم شباهت دارند ولی کاملاً عین هم نیستند. حتی اثرانگشت آنان باهم تفاوت دارد.

برخی به غلط تصور می‌کنند، همه خصوصیات انسان را ژن‌ها تعیین می‌کنند. هرچند ژن‌ها نقش مهمی در بروز خصوصیات ظاهری و رفتاری ما دارند، اما آن‌ها تنها عامل تأثیرگذار نیستند. محل زندگی ما، غذایی که می‌خوریم، آموزش‌هایی که می‌بینیم، کتابی که می‌خوانیم، فیلمی که می‌بینیم، موسیقی که گوش می‌دهیم و حتی خواندن همین کتاب و نوشتن آن بر خصوصیات ما تأثیر می‌گذارند. از این رو، دو انسان در کره زمین یافت نمی‌شوند که کاملاً عین هم باشند. حتی دوقلوهای به هم چسبیده که به نظر می‌رسد محیط یکسانی را تجربه می‌کنند، با وجود تشابه زیاد خصوصیات رفتاری، گاهی با هم اختلاف نظر و اختلاف سلیقه دارند.

نگرش خیانت آمیزی وجود دارد که برای تمام جنبه‌های انسانی، به دنبال ژن می‌گردد و سعی بر نادیده انگاشتن این واقعیت دارد که ژن‌ها مانند چارچوبی درونی برای هستی ما هستند. چند دهه پیش، یک ژنتیک‌دان مجبور بود از این عقیده دفاع کند که «نه تنها محیط، بلکه ژن‌ها نیز در روند رشد و نمو انسان دخیل‌اند» و امروز او ناگزیر است بر این امر تأکید کند که «محیط بر خصوصیات شخصیتی، رفتاری و بیماری‌های متداول، تأثیر شگرفی دارد».

به هر حال، دیدگاه نادرست «جبر ژنتیک» به مدد رسانه‌های همگانی در ذهن اغلب افراد رسوخ کرده است و بسیاری از مخالفان کلون‌سازی، خواسته یا ناخواسته از این دیدگاه حمایت می‌کنند. گزارش‌های خبری اغلب بسیار ساده شده‌اند و ممکن است تحت تأثیر سلیقه روزنامه‌نگاران و حتی دانشمندان، چنان ساخته و پرداخته شوند که به یک داستان مهیج تبدیل شوند. در نتیجه، برداشت ما از شواهد علمی ممکن است تحت تأثیر چند یافته مهیج که امکان دارد برخی از آن‌ها نادرست باشند، دچار انحراف و کج فهمی شود. برای مقابله با اثرات گزارش‌های علمی تحریف شده، فقط یک پادزهر وجود دارد: «افزایش دانش علمی عموم مردم که برای مشارکت آگاهانه و فعالانه در اداره جوامع پیچیده امروزی ضروری است». کتاب حاضر نیز در راستای همین هدف نگاشته شده است.

بحران آب و محیط زیست، بیماری‌های مهلکی مانند سرطان و ایدز و محصولات غذایی حاصل از فناوری مهندسی ژنتیک، مسائلی هستند که به کشور یا جامعه خاصی محدود نمی‌شوند. همه باید از پیامدها و عوامل ایجادکننده آن‌ها آگاه باشند و هرچه این آگاهی بیشتر و عمیق‌تر باشد، مشارکت برای حل آن‌ها سازنده‌تر خواهد بود.

شاید کلون‌سازی را موضوعی خاص جوامع پیشرفته غربی بدانیم و مسأله ما جهان سومی‌ها را فقط آب و نان تعریف کنیم، اما صرف‌نظر از کاربردهای مثبت کلون‌سازی دیر یا زود ما نیز در جهت بهره‌گیری از آن‌ها باید اقدام کنیم. این فناوری، پرسش‌های اعتقادی عمیقی همراه خود آورده است که آگاهی از آن‌ها برای هر مسلمانی ضروری است و علمای بزرگوار کشور ما نیز می‌توانند در این عرصه، چنان پیشگامی نشان دهند که عمق فلسفه، فقه و حقوق اسلامی بر همگان عیان گردد.

دیدگاه مخالفانی که به دلائل علمی یا به جهت پیامدهای منفی احتمالی، با کلون‌سازی انسان مخالفند، قابل تأمل است. این دسته همان طور که در فصل هشتم گفته شد، پیشنهاد یک منع پنج ساله را برای کلون‌سازی انسان مطرح کرده‌اند. به علاوه آنان پیشنهاد کرده‌اند که در خلال این پنج سال، باید از تحقیقات پایه‌ای که در این زمینه صورت می‌گیرد و از نشست‌هایی که در زمینه بحث و

تبادل نظر پیرامون جنبه های مذهبی، اخلاقی و علمی کلون سازی انسان برگزار می شود، حمایت شود. کشور ما نیز باید در این زمینه نشست هایی برگزار کند تا در صورت برگزاری همایش های بین المللی یا کشیده شدن این گونه بحث ها به مجمع عمومی سازمان ملل، شاهد موضع گیری های صحیح و قابل تأمل مسؤولان، علمای دینی و دانشمندان کشورمان باشیم. کتاب را با کلام گهرباری از متفکر شهید مرتضی مطهری به پایان می بریم:

بسیاری از مسائل علمی این شانس و خوشبختی را دارند که جز در محیط دانش و دانشمندان مطرح نمی شوند و جز دست صلاحیت دار دانشمندان آن ها را مس نمی کند. ولی بعضی از مسائل از این خوشبختی بی نصیب اند، به همه جوامع و محافل کشیده می شوند، هر دستی آن ها را لمس می کند و البته احتیاج به توضیح ندارد که دست مالی شدن زیاد یک مسأله علمی از طرف هر فرد و هر دسته ای چهره و قیافه آن را عوض می کند و کار طالبان و پژوهندگان را دشوار می سازد و بلکه در قدم های اول آن ها را دچار ضلالت و گمراهی می نماید.